



روحانیت، تبلیغ سامان مند و توسعه

○ محسن‌یشتیان

برجسته، تأثیر گذار و به شدت قابل اعتناست و در برنامه ریزی های توسعه باید مورد توجه شایسته و بایسته قرار گیرد. والا با نادیده گرفتن پتانسیل مبلغان مذهبی که همواره در طول تاریخ و در فرایندهای گوناگون در درازای زمان دینامیک حرکت ها بوده اند، عملاً یک خلأ میان جامعه موجود و جامعه موعود پدید می آورد که با هیچ چیز دیگر قابل جبران نیست. و شاید از همین رو باشد که گفته اند «اذا مات العالم تلم فی الاسلام ثلثة لایسها شیئی» و چه که به راستی جای هیچ عالمی را عالم دیگر نمی تواند پر کند که او هر چه عالم باشد در جای خودش است و با کوچ مبلغی، منبری بی وعظ و محرابی بی امام می ماند. پس نادیده گرفتن این توان که در حقیقت نبود همه مبلغان را معنا می دهد خلالتی غیر قابل جبران پدید می آورد و توسعه را در چالش های فرار و عملاً نامشکن مواجه می کند. اما بهره وری صحیح از داده های مبلغان و

تابلوی توسعه را روشن کنند و قطعه ای از پازل توسعه را بیابند.

خداوند نیز می خواست با ارائه الگوی انسان کامل، آدمیان را در یافتن قطعه های پازل یاری رساند. تعریف هایی نیز که از انسان کامل ارائه می شود نیز تعریفی روشن از انسان توسعه یافته به دست می دهد. اصرار مکتب اسلام بر شرح صبر و صبر بردباری را که گاه همراه و همسنگ صلاّ آمده و فرموده اند: «واستعینوا بالصبر و الصلاّ» نیز می تواند پرده برداری از این حقیقت نماید که بستر توسعه، صبر و بردباری و افزودن بر توان تحمل می باشد.

پرورش انسانیت انسانها و به توسعه رساندن افراد نیز هنری است که از مبلغان ساخته است و تکلیفی است که به حکم آیه نفر بر عهده دین آموزان و دانش آموخته گان مکاتب و مدارس دینی است. لذا نقش مبلغان و روحانیان که با انسان سر و کار دارند در فرایند توسعه، نقشی

به جرأت می توان گفت بشر، از هماندم که پایه عرصه حیات گذاشت، توسعه نیز متولد شد و به عبارت دیگر، تاریخ تولد توسعه دقیقاً همان تاریخی است که در شتابنامه بشر نوشته اند. و این بشر که با حکم مأموریت جانشینی خدا پایه زمین گذاشت هر روز به فراخور کشف خویش، توسعه یافت و به اندازه ای که به زوایای پیدا و پنهان خود واقف گشت بزرگ شد. و قد کشید و در پاره ای از قطعه های تاریخ نیز که از خویش خویش غافل ماند از توسعه نیز عاجز شد. پس می توان مدعی شد که توسعه و خودشناسی دومنهم همزاد و همراهند که بودنشان با هم است و ارتفاع هر یک ارتفاع دیگری را در پی دارد. شاید فرمایش امام علی (ع) که فرمود: «لا تزعم انک جرم صغیر / و فیک انطوی العالم الکبیر / هوشیار باشی به آدمیان باشد که با خودشناسی مسیر توسعه را بهتر بشناسند و به ازای روشن کردن هر چراغی در خویش، قطعه ای از



عالمیان دینی می‌توانند بازدهی به نام به سلامت و هدایت جامعه از چالش‌های گوناگون داشته باشد. مبلغان مذهبی نیز باید خود را برای پرداختن هزینه توسعه پیش از هر زمان و هر قشر مهیا کنند، چرا که این تکلیف بر عهده جز آنان گذاشته نشده است. و حتی از آدمیان خواسته نشده که بپرسند اما از عالمان و تبلیغ گران و پیام رسانان دین خواسته شده است که پیام مکتب را به انسانها برسانند.

اگر بپذیریم که همه عالم برای انسان خلق شده - که شده و می‌پذیریم - پس انسان برترین و شریف‌ترین و قابل احترام‌ترین موجود است و بالتبقیجه شناخت او نیز برترین علوم و در فرایند توسعه نیز زیر بنا و محور انسان است و شناخت او، زیر ساخت توسعه. پس نگاه به علوم انسانی و به دین آموخته‌گانی که با تبلیغ به سراغ انسان‌ها می‌روند و در پی تربیت آنها هستند باید پیش از گذشته به دیده حرمت نگریست. و از دیگر منظر اگر توسعه مقدس باشد، توازن و ایزوا آن و نیز فن‌آوری آن هم مقدس خواهد بود و مهم‌ترین ابزار توسعه نیز می‌تواند مبلغان مذهبی باشند که قادرند صدای توسعه را تا اقصی نقاط ببرند و خورترین روستاها را و دورافتاده‌ترین روستایان را هم با کاروان بشریت همراه کنند. نگاه به تاریخ نیز نقش مبلغان را برجسته می‌نماید، چرا که توسعه جهان غرب نیز گسترش فرهنگ خود را مدیون مسیونرها و مبلغان مذهبی است که از جان مایه گذاشتند تا خمیرمایه توسعه جهان اول را از دور افتاده‌ترین نقاط جهان جمع کنند. مبلغان دینی ما نیز می‌توانند این نقش را، منتهی در سلامت کامل، و به قصد پرورش انسان و نه استثمار و استعمار او، ایفا کنند، چرا که دین ما دین تفقه و عقلانیت و خردگرایی است و نه چیز دیگر و چنین دینی نمی‌تواند جز عقلانیت فردی و اجتماعی را بخواهد.

به نظر می‌رسد مبلغان نیز برای ایفای رسالت خود تر فرایند توسعه باید داشته‌ها و یافته‌های خود را تدوین نمایند و برنامه‌ریزی شده، منطقی و گام به گام به پیش بروند و در شیوه تبلیغ نیز باید قرآن را الگو قرار دهند. خصوصاً تبلیغ قدم به قدم و آموختن شیوه راه رفتن به طفل را از نظر دور ندارند، چرا که هیچ مادری یافت نمی‌شود که راه رفتن نیاموخته در دوی سریع و پرتک و تا فرزند نوباوه خویش را برای همیشه از رفتن باز دارد.

و خداوند نیز که مهر همه مادران قطره‌ای از مهر اوست - هیچگاه انسان را در راه قربیت و در مسیر «شدن» به رنج و مشقت نمی‌اندازد. قضیه حرمت شرب خمر می‌تواند درس آموز خوبی برای مبلغان باشد آنجا که ابتدائی فرماید مسکرات مضراتی دارد اما منافی نیز برای مردم دارد «فیهما اثم کبیر و منافع للناس» و تا این باور در مردم نهادینه شد، آدم‌های یک گام در مسیر توسعه عقلانیت و دوری از عقل‌کشی برداشته، لحن کلام خطابی‌تر و امری‌تر می‌شود و می‌فرماید نزدیک نماز نشوید در حالی که مستید! «ولا تقریوا الصلاة و اثم مسکری» و این موضوع که در باور آدم‌ها نهادینه می‌شود و می‌پذیرند که در حالت مستی به نماز نزدیک نشوند و زمینه برای طرد همیشگی «عقل‌کشان» فراهم می‌شود، رسماً و صریحاً فرمان حرمت مسکرات صادر می‌شود. این شیوه شاید به ظاهر رفورمیستی به نظر آید و برخی افراد را که به جای اصلاح طلبی همواره در پی براندازی هستند اکتائیری به مراتب بیشتر از هر نوع شیوه تربیتی دیگر دارد. پس شایسته است که مبلغان عزیز در تربیت انسان‌ها به این طرّفه ظرایف که در کتاب و سنت فراوان یافت می‌شود و امروزه نیز روانشناسان و جامعه‌شناسان به آثار بسیار مثبت آن پی برده‌اند، عنایت ویژه داشته باشند. خیلی بجای خواهد بود اگر هر روستا، هر محل و هر مسجدی شناسنامه تبلیغی داشته باشد به گونه‌ای که آموزشهای ارائه شده و گفتنی‌های داده شده در آن ذکر شود تا مبلغ بعدی که می‌آید بدون برنامه سخن‌نگوید و گفتنی‌ها را تکرار ننماید که تکرار اگر چه در جای خود آثار مثبت دارد اما آنجا که جای تکرار نیست زمینه ازدگی مخاطبان را فراهم می‌آورد خصوصاً اگر مخاطبان نسل جوان و تحصیل کرده باشند، اما با تدوین شناسنامه تبلیغی این مشکل حل می‌شود و داده‌های آن تریون نیز هم توسعه یافته و هم سامان‌مند می‌شود و هم گریزگاههای مخاطبان را می‌گیرد و زمینه ریزش مخاطبان را از میان می‌برد و ساخت اندیشمندان را از تکرارهای زاید و مخاطب گریز پاک می‌نماید.

□ جزم اندیشی دشمن بی نقاب توسعه

امروزه به روشنی قابل دریافت است که اولین گام در توسعه، سعه صدر و پرهیز از

● به نظر می‌رسد مبلغان نیز برای ایفای رسالت خود در فرآیند توسعه باید داشته‌ها و یافته‌های خود را تدوین نمایند و برنامه‌ریزی شده، منطقی و گام به گام به پیش بروند و در شیوه تبلیغ نیز باید قرآن را الگو قرار دهند.

● با نادیده گرفتن پتانسیل مبلغان مذهبی که همواره در طول تاریخ و در فرایندهای گوناگون در درازای زمان دینامیک حرکت‌ها بوده‌اند، عملاً یک خلأ میان جامعه موجود و جامعه موعود پدید می‌آورد که با هیچ چیز دیگر قابل جبران نیست.

وجود یابد و به جای کانون‌های قدرت فیزیکی مکتب، اندیشه الهی جان بگیرد...

فکر می‌کنم این هم تصویری دور از ذهن نیست، و دور از ذهن نمی‌نماید که این تصویرها روزی به تصدیق بدل شوند و آیه نفر فرآیند توسعه را شتاب بخشد.

□ مخاطب شناسی، نیازمبلغ توسعه

به نظر می‌رسد بهترین اندیشه‌ها هنگام طرح اگر قابل درک برای فهم مخاطب نباشد، مثل بند در کویر افشاندن و زراعت در دریا کردن باشد. حال آنکه یک اندیشه متوسط با گوینده‌ای که مخاطب را می‌شناسد و زبان او را می‌داند می‌تواند ثمرات بهتری به دست دهد. مخاطب شناسی باعث می‌شود که گوینده تئوری‌های توسعه را در خلأ طرح کند. پس برای پرهیز از چنین رویدادی شایسته است که مبلغان به نیازشناسی، زمان‌شناسی و اقتضاشناسی اشراف داشته باشند و بتوانند مطابق با نیاز مخاطبان و اقتضای دوران گذار با مردم سخن بگویند. گفته‌ها نیز هرچه کاربردی‌تر تأثیر گذارتر خواهد بود.

□ اصلاح و پیرایش باورها، ضرورت عصر توسعه

مبلغان مذهبی باید خرافه زدایی از دین را به هر قیمتی انجام دهند و در پیرایش باورهای مردم از هیچ تلاشی فروگذار نمایند. مخصوصاً این را به مردم بیاموزند که دنیا هزار نقش و هزار رنگ دارد و سیاه و سفید دین نه تنها دین را حفظ نمی‌کند که دنیا را و دین را با مشکل مواجه می‌کند و در حقیقت هم این گونه نیست که هر

مطلق انگاری و جزم اندیشی و واکنش شدن در برابر بسیاری خطرناک دگماتیسم است.

چرا که دگماتیسم و فضا و عناصر و جریان‌های دگم، به هیچ وجه استعداد توسعه را ندارند و از دیگر سوریته‌های توسعه را نیز می‌خشکانند.

رسالت مبلغان نیز اقتضای می‌کند که نه تنها خود هیچگاه مطلق انگاری را به ساخت اندیشه خود راه ندهند و از سیاه و سفید دیدن قضا یا پرهیز کنند که مخاطبان خود را نیز به سمت فهم خردمندانه هدایت نمایند.

باید پذیرفت در زمانی که علم و اندیشه بر اساس لحظه‌ها متجبد می‌شود، هر لحظه گم شدن در وادی دگم اندیشی خسارتی غیر قابل جبران است و پدیدآورنده فاصله‌ای دهشتناک با فرآیند توسعه که به راحتی قابل جبران نیست. پس تأکید این نکته ضروری می‌نماید که مبلغان باید به هر نحو شده غول دگماتیسم را بر زمین بزنند و آدم‌ها را از یک دور باطل مطلق انگاری بدر آورند و دینامیک حرکت افراد و بالطبع جامعه را به اندیشه ورزی و نمونه سازند.

□ آیه نفر و فرآیند توسعه

شاید بتوان به محض شنیدن آیه نفر این تصور را به ذهن آورد که هم‌اکنون دین آموخته گان خونریز بارخویش را برای سفر به اقصای عالم بسته‌اند و می‌خواهند برای ادای تکلیف و پی افکندن قضای جدید بر مبنای الگوهای دینی به رسالت خویش عمل نمایند و سران دارند تا با انداز و تشریح و خداآموزی و معادآموزی، جارا برای رشد و تکثیر زورگاههای جسمانی چنان تنگ کنند که تنها اندیشه گلهای فکری و فرهنگی مجال



● باید پذیرفت در زمانی که علم و اندیشه بر اساس لحظه‌ها سنجیده می‌شود، هر لحظه گم شدن در وادی دگم‌اندیشی خسارتی غیرقابل جبران است و پدیدآورنده فاصله‌ای دهشتناک با فرایند توسعه که به راحتی قابل جبران نیست.

● اسلام خود بستر توسعه را پهن کرده و خود پیروان خویش را مجال روشنفکری داده است و چنان سامانمند و به قاعده وارد تعاملات اندیشه‌ای شده است که همه اندیشمندان را شیفته خویش کرده است.

امروزه بدان خو گرفته‌اند و گفتن بدون تسلط بر این ادبیات، مخاطبی را همراه نخواهد داشت. مبلغان نیز باید این نکته را دریابند و ادبیات روز را نیز فراگیرند و در راستای تبلیغ اندیشه‌های خود از آن مدد گیرند.

بی‌شک خود واعظان و مبلغان بیش از هر کس دیگری دریافته‌اند که امروزه سخن صرفاً فقهی و تکلفی پاسخ نخواهد گرفت و شیوه متکلم و حده بودن در تبلیغ دیگر باید جای خود را به سبک‌های نوین انتقال م‌فهمیم بدهد.

دیگر از نایدهای تبلیغ، اقتضای حال مخاطب است. چرا که گاه این امر را هم باید در قالب غیر امری آورد... «والوالدین احسانا» مثال خوبی در این زمینه است که بسیار امری به والدین خود نیکی کنید «اما احسن امری ندارد. امروزه نیز این شیوه بیشتر با طبیعت مردم سازگار است و امر و ذممی بخایی کمتر در فطرت آدم‌ها می‌یابند علاوه بر این، زبان و ادبیات روز، آشنایی با قرائت‌های تازه از دین، معرفت نسبت به گفت‌وگوهای محوری معرفت دینی در هر زمان از نکاتی است که همواره باید مد نظر واعظان و مبلغان مذهبی قرار داشته باشد.

این شیوه می‌تواند مخاطبان را هم با فرایند توسعه فکری و فرهنگی و معرفتی همراه کند به نحوی که دیگر فردا روشنفکری و توسعه یافتگی تنها در انحصار نهادهای فرهنگ ساز نباشد، بلکه همه آحاد مردم توان این را داشته باشند که به توسعه یافتگی دست یابند و به عنوان روشنفکر به فرداها چشم‌دوزند.

جریان و فکر و مکتبی سیاه باشد. می‌توان از داشته‌های مثبت هر فکر و اندیشه بهره گرفت و منفیات را کنار گذاشت.

□ مبلغان، دین و قابلیت توسعه

اسلام را شاید بتوان تنها مکتبی دانست که با وضع قوانین و به جان نهادن قالب‌هایی خاص این امکان را فراهم آورده است که در همه زمان‌ها به باز تولید خویش بپردازد و همبانی زمان به پیش رود و با آهنگ توسعه، توسعه یابد و هر چه جریان توسعه به پیش می‌رود اسلام شناسان بیشتر به اسلام واقف و در ایمان خود راسخ می‌شوند و در می‌یابند که چرا این دین پایان همه دین‌هاست. اسلام خود بستر توسعه را پهن کرده و خود پیروان خویش را مجال روشنفکری داده است و چنان سامانمند و به قاعده وارد تعاملات اندیشه‌ای شده است که همه اندیشمندان را شیفته خویش کرده است.

به نظر می‌رسد مبلغان می‌توانند با توجه به دین و وساحت وسیع آن مردم را با قواعد توسعه یافتگی از نگاه دین آشنا کنند و آنان را تابندای توسعه یافتگی و کمال رهنمون شوند.

□ تغییر زبان و ادبیات و ضرورت توجه مبلغان

این یک واقعیت است که در تطور زمان، زبان هم شامل تطور می‌شود و به فراخور اعصار ادبیات جدیدی وارد گستره واژگانی بشریت می‌شود. امروز نیز در عصر توسعه، ادبیات جدیدی رخ نموده است و می‌طلبد که اهل زمان بدان توجه کنند و این توجه نیز به عنوان یک ضرورت غیر قابل انکار جلوه‌گری می‌کند. چه که مخاطبان

